UNIVERSITY OF THE PUNJAB

B.A. / B.Sc. (Composite) Annual Exam – 2019

Roll No. ....

Subject: Persian
PAPER: A

MAX. TIME: 3 Hr.
MAX. MARKS: 100

سوال1: کسی ایک اقتباس کا سلیس اردو میں ترجمہ کریں۔ (۲۰)

الف: اوفکر می کرد که از آغاز بچگی خودش تا کنون همیشه اسباب تمسخر یا ترحم دیگران بوده۔ یادش افتاد اولین بار معلم سر درس تاریخ گفت که اهالی اسپارت بچه های بیولا یا ناقص را میکشتند همه شاگردان برگشتند باو نگاه کردند و یک حالت غریبی به او دست داد۔ اما حالا او آرزوی کرد که این قانون در همه جای دنیا مجرای شده یا اقلاً مثل غالب جاها قدغن میکردند تا اشخاص ناخوش و معیوب از زناشوئی خودداری بکنند، چون او میدانست که همه اینها تقصیر پدر است۔

ب: باید که بهمه اطراف همیشه جاسوسان روند بر سبیل بازرگانان و سیاحان و صوفیان و دار و فروشان و درویشان واز هرچه می شنوند، خبری آورند تا هیچ گونه از احوال چیزی پوشیده نماند و اگر چیزی حادث شود و تازه گردد، بوقت خویش تدارک آن کرده آید، چه بسیار وقت بوده است که والیان و مقطعان و گماشتگان و امراء سر عصیان و مخالفت داشته اند و بر پادشاه بدسگالیده اند و چون جاسوس برسید و پادشاه را خبر داد، در وقت پادشاه برنشسته اسب و تاختن برده و مفاجا بر سر ایشان فرو شده است و گرفته و عزم ایشان باطل کرده و اگر پادشاهی با لشکر بیگانه قصد مملکت کرده است او کار خویش بساخته است و دفع آن کرده۔

سوال2: کسی ایک اقتباس کا سلیس اردو میں ترجمہ کریں۔ (۲۰)

الف: دیدم مثل صورتهای پرده قلکار مردمک چشمها همه در گوشه افتاده و بیک نقطه نگران است۔ یکی از آقایان که جز خاموشی هیچ حرف و حالی را خطائی داند، میگفت بسر مبارک قسم پریروز صبح همینکه موقع تشریف فرمائی بوزارت خانه گزشت اضطراب و پریشانی خاصی در بنده تولید شد۔ مثل این بود که هزار تا مورچه ریزه و درشت توی بدنم بحرکت آمده باشند۔ تاثیرات روحی را ملاحظه بفرمایید فوراً حدس زدم که خدای نکرده حضرت تعالی هم دوچار روماتیسم شده اید۔ برفقا گفتم۔ آقایان شاهد اند۔ این فکر رفته رفته در خاطرم قوت گرفت و بمحض اینکه اطلاع حاصل کردم که حدس شوم بنده صحت دارد مفاصل زانو و بازو هایم متورم شد۔

ب: یک هفته پیش روزگار نشد۔ چند انک وزان نقد کرد۔ نه قرض کرد و نه ملکی فروخت۔ هر که مال نگهدارد، بآمال رسد و هر که جدا مرکب سازد ضرر را بیندازد۔ آنکه فرمود تا درخت ها بیاوردند و هر پاره ای بر مقدار سه دست ببریدند، میان تهی کردند۔ هشتاد پاره چوب و کیسای دوختند و کمر های آهن بر آن می زدند و هر دو چوب بر استری می نهادند۔ چهل استر هشت صد هزار دینار در صحبت غلام روانه کرد و یک دینار بغلام داد۔ غلام بیک ماه با این حمل پیش سلطان رسید۔ از غلام پرسید۔ این مال بدین تعجیل از کجا حاصل کرد۔ گفت: جمله از خزانه بدر آورد۔ روزگار در وزن و نقد و تعبیه رفت۔

(ورق الٹیے)

سوال 3: کسی ایک اقتباس کا سلیس اردو میں ترجمہ کریں۔ (۲۰)

الف: دواوین این جماعت ناطق است بکمال و جمال و آلت و عدت، و عدل و بذل و اصل و فضل، و رای و تدبیر و تاثیر این بادشاہان ماضیہ و این مہتران عالیہ نور اللہ مضاجعہم و وسع علیہم مواضعہم بسا مہتران کہ نعمت پادشاہان خوردند بخششہای گران کردند و برین شعرای مطلق سپردند کہ امروز از ایشان آثار نیست و از خدم و حشم ایشان دیار نہ و بسا کوشکہای منقش و باغہای دلکش کہ بنا کردند و بیار استند کہ امروز باز مین ہموار گشتہ است و با مفازات و اودیہ برابر شدہ مصنف گوید۔

ب: اما مذہب اصحابنا آنکہ این سیرت اسوہ سیر است و عدالت مستلزم خلل بسیار و آنرا بدلایل واضح روشن گردانیدہ اند و میگویند بنای کار سلطنت و فرماندہی کہ کد خدائی بر سیاست است۔ تا از کسی نترسند۔ فرمان آنکس نبرند و ہمہ یکساں باشند و بنای کارہا خلل پذیرد و نظام امور گسستہ شود۔ آنکس کہ حاشا عدل ورزد و کسی را نزند و نکشد و مصادرہ نکند و خود راست نسازد و برزیر دستان اظہار عربدہ و غضب نکند، مردم از وی نترسند و رعیت فرمان ملوک نبرند۔ فرزندان و غلامان سخن پدران و مخدومان نشنوند۔ مصالح بلاد و عباد متلاشی گردد و از بہر این معنی گفتہ اند۔

پادشاہان از پی یک مصلحت صد خون کنند

سوال 4: صادق ہدایت یا عبید زاکانی کے احوال و آثار پر مفصل تبصرہ کیجئے (۱۵)

سوال 5: کسی ایک اقتباس کا فارسی میں ترجمہ کریں۔ (۲۵)

(الف) ہدایت نے عوامی زبان کو وقار بخشا اور قاری کو عوامی کرداروں کی اہمیت کا احساس دلایا۔ آج فارسی افسانے پر ہدایت کا نقش پوری طرح مسلط ہے۔ ہدایت کی زبان اب فارسی افسانے اور ناول کی زبان بن چکی ہے اور ہدایت کے کرداروں کی صدائے بازگشت نوجوان افسانہ نگاروں کی تخلیقات میں سنائی دیتی ہے ہدایت کا غم مریضانہ اور جنون آمیز ہے۔

(ب) نظام الملک شافعی مذہب کے پیرو تھے اور اسی کی ترویج میں کوشاں تھے۔ اہل سنت و جماعت کے علاوہ دیگر مذاہب کے بارے میں ان کے قلم سے نازیبا باتیں بھی نکل گئی ہیں۔ بد مذہبوں کے تو وہ دشمن تھے۔ اس لیے ان سے خیر کی توقع عبث ہے۔ سیاست نامہ میں میں ان سے کہیں کہیں رجال و واقعات کے بارے میں غلطیاں بھی ہوئی ہیں معلوم ہوتا ہے کہ انہوں نے یادداشت پر بھروسہ کیا ہے اور تحقیق سے سنین کی صحت کا خیال نہیں رکھا۔

UNIVERSITY OF THE PUNJAB

B.A. / B.Sc. (Composite) Annual Exam – 2019

Roll No. ....

Subject: Persian
PAPER: B

MAX. TIME: 3 Hr.
MAX. MARKS: 100

سوال نمبر۱: کسی ایک جز کا اردو ترجمہ، تشریح اور شاعر کا نام لکھیے۔ (۲۰)

الف)

ای که هرگز ندیده ای به جمال — حسن در آیینه مثل خویشتنی
در دهانت سخن نمی گویم — که نگنجد در آن دهن سخنی
نازکست در میان پیرهنی — همچو روحست رفته در بدنی

ب)

ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی برکند — چون ترا نوح است کشتیبان ز طوفان غم مخور
در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم — سرزنشها گر کند خار مغیلان غم مخور
گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید — هیچ راهی نیست کانرا نیست پایان غم مخور

سوال نمبر۲: کسی ایک جز کا اردو ترجمہ، تشریح اور شاعر کا نام لکھیے۔ (۲۰)

الف)

وز پی برگ و نوای بلبلان — رنگ و بویی در گل رعنا نهاد
تا تماشای وصال خود کند — نور خود در دیده بینا نهاد
تا کمال علم او ظاهر شود — این همه اسرار بر صحرا نهاد

ب)

مجلس چو برشکست تماشا به ما رسید — در بزم چون نماند کسی جا به ما رسید
دی خنده بر بضاعت درویش زد لبش — صد کاروان شکر به لبی بوریا رسید
بال و پر از درازی منزل بسوختیم — پیغام بی نیازی عنقا به ما رسید

سوال نمبر۳: کسی ایک جز کا اردو ترجمہ، تشریح اور شاعر کا نام لکھیے۔ (۲۰)

الف)

گفت ای طوطی خوب حنین — این چه بودت این چرا گشتی چنین
ای دریغا مرغ خوش آواز من — ای دریغا همدم و همراز من
ای دریغا مرغ خوش الحان من — راح روح و روضه و ریحان من

ب)

ز بیژن بپرسید و نالید زار — که چون بود کارت به بد روزگار
ز گیتی همه نوش بودت بهر — ز دشمن چرا بستدی جام زهر
چنین گفت بیژن ز تاریک چاه — که چون بود بر پهلوان رنج راه

سوال نمبر۴: درج ذیل شعراء میں سے صرف ایک کے فکروفن کا مفصل جائزہ لیجیے۔ (۲۰)

الف) فخرالدین عراقی ب) خواجہ حافظ شیرازی ج) مرزا غالب دہلوی

سوال نمبر۵: کسی ایک جز کا مرکزی خیال اور شاعر کا نام لکھیے۔ (۱۰)

الف)

نزدیک رفت پیرزنی کوژپشت و گفت — این اشک دیدهٔ من و خون دل شماست
ما را به رخت و چوب شبانی فریفته است — این گرگ سالهاست که با گله آشناست
آن پارسا که ده خرد و ملک رهزن است — آن پادشا که مال رعیت خورد گداست

ب)

شنیدم کارفرمایی نظر کرد — ز روی عجب و نخوت کارگر را
روان کارگر از وی بیازرد — که بس کوتاه دانست آن نظر را
بگفت ای گنجور این نخوت از چیست — چو مزد رنج بخشی رنج بر را

سوال نمبر۶: درج ذیل صناعات ادبی میں سے صرف دو کی وضاحت فارسی مثالوں سے کیجیے۔ (۱۰)

الف) استعارہ ب) تشبیہ ج) تضاد د) مجاز مرسل

UNIVERSITY OF THE PUNJAB

B.A. / B.Sc. (Composite) Annual Exam – 2019

Roll No. ....

Subject: Persian
PAPER: Optional

MAX. TIME: 3 Hr.
MAX. MARKS: 100

سوال نمبر1: درج ذیل اقتباسات میں سے کسی ایک کا اردو ترجمہ کیجئے۔ (22.5)

(الف): یکی از ملوک خراسان محمود سبکتگین را بخواب چنان دید که جمله وجود او ریخته بود و خاک شده، مگر چشمان او که همچنان در چشم خانه همی گردید و نظری کرد۔ سایر حکما از تاویل این فرو ماندند مگر درویشی که بجای آورد و گفت: "چشمش نگران است که ملکش با دگران است۔"

(ب): آورده‌اند که نوشیروان عادل را در شکارگاهی صید کباب کردند و نمک نبود، غلامی بروستا رفت تا نمک آرد۔ نوشیروان گفت "نمک بقیمت بستان تا رسمی نشود، و دیه خراب نگردد۔" گفتند: "از این قدر چه خلل آید؟" گفت: "بنیاد ظلم در جهان اول اندکی بوده است، هر که آمد بر او مزیدی کرد، تا بدین غایت رسید۔"

سوال نمبر2: درج ذیل اقتباسات میں سے کسی ایک کا اردو ترجمہ کیجئے۔ (22.5)

(الف): وزیران این سخن بشنیدند طوعاً و کرهاً پسندیدند و بر حسن رای ملک آفرین خواندند و گفتند: "آنچه خداوند، دام ملکه، فرمود عین حقیقت است که اگر در صحبت آن بدان تربیت یافتی طبیعت ایشان گرفتی و یکی از ایشان شدی، اما بنده امیدوار است که در صحبت صالحان تربیت پذیرد و خوی خردمندان گیرد که هنوز طفل است و سیرت بغی و عناد در نهاد او متمکن نشده۔

(ب): بر بالین تربت یحیی پیغمبر علیه السلام معتکف بودم در جامع دمشق که یکی از ملوک عرب که به بی انصافی منسوب بود، اتفاقاً بزیارت آمد و نماز و دعا کرد و حاجت خواست:

درویش و غنی بندهٔ این خاک درند　　و آنان که غنی ترند محتاج ترند

آنگه مرا گفت: "از آنجا که همت درویشانست و صدق معاملت ایشان، خاطری همراه من کنید که از دشمنی صعب اندیشناکم۔" گفتمش: "بر رعیت ضعیف رحمت کن تا از دشمن قوی زحمت نبینی۔"

سوال نمبر3: درج ذیل نظم پاروں میں سے کسی ایک کا اردو ترجمہ مع تشریح کیجئے۔ (22.5)

(الف)

گرمی کارزارها　　خامی پخته کارها
تاج و سریر دارها　　خواری شهریارها
بازی روزگارهای نگریم وی رویم

(ب)

طارق چو بر کنارهٔ اندلس سفینه سوخت　　گفتند کار تو به نگاه خرد خطا است
دوریم از سواد وطن باز چون رسیم؟　　ترک سبب ز روی شریعت کجا رواست
خندید و دست خویش به شمشیر برد و گفت　　هر ملک ملک ماست که ملک خدائے ماست

سوال نمبر4: درج ذیل نظم پاروں میں سے کسی ایک کا اردو ترجمہ مع تشریح کیجئے۔ (22.5)

(الف)

لیلی اندر غبار ناقه گم　　دست روی پردهٔ محمل گرفت
این فرو تر رفت و تا گوهر رسید　　آن بگرداب چو خس منزل گرفت
حق اگر سوزی ندارد حکمت است　　شعر میگردد چو سوز از دل گرفت

(ب)

ساحل افتاده گفت گرچه بسی زیستم　　هیچ نه معلوم شد آه که من چیستم
موج ز خود رفته‌ای تیز خرامید و گفت　　هستم اگر میروم، گر نروم نیستم

سوال نمبر5: درج ذیل سوالات میں سے کسی ایک کا جواب لکھیے۔ (10)

(الف): "سعدی شیرازی" کے حالات زندگی قلمبند کیجئے۔

(ب): "پیام مشرق" کی نظم "حدی" کا خلاصہ تحریر کریں۔